

نمود معنویت در داستان‌های کودک کلر ژوبرت بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی

فاطمه قانع*

محمدرضا نجاریان**

مجید پویان***

چکیده

معنویت یکی از موضوعاتی است که امروزه توجه پژوهشگران را حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان به خود جلب کرده است. یکی از نظریات مطرح در حوزه‌ی روان‌شناسی کودک، نظریه‌ی آگاهی ارتباطی ربکا نای و دیوید هی است که معنویت و ابعاد آن را در ارتباط با کودکان بررسی می‌کند و ما از آن در تحلیل داستان کودک بهره برده‌ایم. در این نظریه پنج عنصر در بحث معنویت کودکان مطرح می‌شود: زمینه‌ها، شرایط، راهبردها، فرایندها و پیامدها. زمینه‌های ظهور معنویت کودکان در چهار حوزه‌ی ارتباطی آن‌ها صورت می‌گیرد: رابطه‌ی کودک با خدا، رابطه‌ی کودک با دیگران، رابطه‌ی کودک با جهان و رابطه‌ی کودک با خود. در این مقاله چهار اثر از کلر ژوبرت، یکی از نویسندگان مطرح حوزه داستان کودک، بر اساس چهار زمینه‌ی مطرح در نظریه‌ی آگاهی ارتباطی، نقد و بررسی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابعاد مختلف معنویت کودکان با نگاهی ظریف و هنرمندانه در آثار داستانی این نویسنده‌ی فارسی‌زبان نمود یافته است. **واژه‌های کلیدی:** آگاهی ارتباطی، دیوید هی، ربکا نای، کلر ژوبرت، معنویت کودکان.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد fateme.ghane@gmail.com

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد reza.najjarian@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد pooyan@yazd.ac.ir

۱. مقدمه

انسان موجودی پیچیده است و لازمه‌ی شناخت او این است که ابعاد مختلف وجودی‌اش را بشناسیم. بر اساس مدلی درمانی، انسان موجودی است که ابعاد بیولوژیک، روانی، اجتماعی و معنوی دارد. نخستین بار جورج انگل با بیان معایب و محدودیت‌های مدل درمانی موجود، این مدل را معرفی کرد (رک. Engel, 1977: 131-133). او در مقدمه‌ی مقاله‌ی دیگر خود از جامعه‌ی پزشکی به دلیل تقلیل‌گرایی انتقاد کرده و اعلام کرد که نظام پزشکی غرب از جنبه‌های پیچیده روانی انسان غافل شده و تنها جنبه‌های بیولوژیک افراد را مد نظر قرار داده است (رک. همان: 196). البته انگل در مقاله‌اش تنها به ابعاد بیولوژیک، روانی و اجتماعی انسان اشاره کرده بود. بعداً سولمسی با بیان این نکته که انگل هیچ اشاره‌ای به معنویت و مرگ نکرده است، مدل او را گسترش داد و بعد معنوی را نیز به آن اضافه کرد (رک. Sulmasy, 2002: 24). حال سؤال این است که به‌راستی معنویت به‌عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان به چه معنی است؟

در تعریف معنویت گرایش‌های مختلفی وجود دارد. گرایش تاریخی این است که معنویت به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از دین شناخته شود (رک. Koenig, 2011: 198). طرفداران این نگرش معتقدند که تجربیات معنوی در خارج از حوزه‌ی دین شکل نمی‌گیرد و تنها با اتصال به یکی از ادیان الهی انسان می‌تواند چنین تجربیاتی را به دست بیاورد. به عقیده‌ی این گروه «دین محور اساسی تغییر و تحول زندگی آدمی به شمار می‌رود» (مغنیه، ۱۳۸۲: ۴۲) در تربیت اسلامی نیز معنویت در ارتباط با دین شناخته می‌شود و کسی معنوی خواهد بود که دین‌دار واقعی باشد. «از منظر دینی، معنویت معنادار ساختن و ایجاد ارتباط با عالم ماورا و پذیرش عالمی غیر از عالم موجود است. در نگاه دینی کسی معنوی تلقی می‌شود که باورها و اعمال دینی داشته باشد» (باغلی، ۱۳۹۲: ۴۱) در حالی که گروه دیگر معنویت را الزاماً در ساختار دین محدود نمی‌دانند و معتقدند که اگرچه معنویت می‌تواند شامل عناصر دینی هم باشد؛ الزاماً برای درک معنویت نیازی به دین نیست (رک. Bosacki, 2002: 56). به نظر می‌آید که به‌ویژه در غرب

نگرش اخیر طرفداران بیشتری پیدا کرده است. این دسته معنویت را مفهومی اصیل و در اتصال با ذات زندگی می‌بینند. بیگر معتقد است: «زندگی تجربه‌ای در حرکت سلسله‌وار بین سطح و عمق است و برای بخش عمیق و ژرف زندگی عبارت معنویت مورد استفاده قرار می‌گیرد» (Bigger, 2008: 68).

وجود نظریات مختلف در حوزه‌ی معنویت نویدبخش این مطلب است که معنویت در طول تاریخ پیوسته یکی از مباحث مطرح برای انسان‌ها بوده است. ونمن معتقد است؛ علی‌رغم نبود یک تعریف مشخص در حوزه معنویت، «بر این مسئله توافق نظر وجود دارد که معنویت مربوط به زندگی کردن به شکلی است که فرد به دنبال تحقق آرمان‌های والا و ارزشمند باشد» (Wenman, 2001: 312). توجه به این مفهوم به عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر منجر شده است که امروزه به معنویت برای کودکان نیز بیش از پیش توجه شده است. متخصصان معتقدند که در همه‌ی کودکان نوعی معنویت طبیعی وجود دارد. هلستد و ویت این معنویت طبیعی را چنین تعریف می‌کنند: معنویت فطری در این زمینه به حس شگفتی و شیفتگی کودکان در برخورد با چیزها مربوط می‌شود. افزون بر آن به ظرفیت خارق‌العاده آن‌ها برای بازی، ورود به دنیای فانتزی، تخیل کردن و معصومیتشان که به سؤالات عمیق آن‌ها درباره معنای زندگی منجر می‌شود، اشاره دارد. (رک. Halstead & Waite, 2001: 185).

ما در این مقاله از نظریه‌ی «آگاهی ارتباطی» که یکی از مدون‌ترین نظریه‌ها در زمینه معنویت کودکان است، به عنوان چهارچوب علمی بحثمان بهره برده‌ایم. بنابراین ابتدا مروری بر پیشینه‌ی تحقیق خواهیم داشت، سپس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی را شرح و رئوس آن را توضیح می‌دهیم و بر اساس آنچه می‌بینیم و نای^۱ توضیح داده‌اند، ارکان این نظریه را به منظور استفاده در زمینه نقد داستان‌های کودکان بازتعریف می‌کنیم. در نهایت بر اساس تعاریف جدید، چهار کتاب از کلر ژوبرت را از منظر آموزه‌های معنوی تحلیل خواهیم کرد.

¹. David Hay & Rebecca Nye

۲. پیشینه‌ی تحقیق

نسیم صالحی‌فر (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *تحلیل اندیشه‌های اسلامی در ادبیات داستانی کودک و نوجوان ۱۳۰۰-۱۳۵۷*، اندیشه‌های اسلامی مطرح‌شده در کتاب‌های کودکان را در شش دسته قرار داده است: ۱. اصول اعتقادی، ۲. گرایش‌های عملی، ۳. احکام، ۴. مراسم و مناسک اسلامی، ۵. اخلاق اسلامی و ۶. سایر موارد

پروین حمیلی (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *بررسی درون‌مایه‌های دینی در ادبیات کودک انتشارات دهه‌ی هشتاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان* به این نتیجه رسیده است که موضوع‌هایی مانند خدا، نیکی کردن، عاقبت کار بد، دروغ‌گویی و راست‌گویی، اندیشه‌های نیک.. موضوع‌های اخلاقی در حوزه‌ی ادبیات کودک در دهه‌ی هشتاد در آثار منتشرشده‌ی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است. فاطمه زارع (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود با عنوان *بررسی آسیب‌شناسانه شگردهای خداشناسی در ادبیات کودک دهه هشتاد اعتقاد دارد که بیشتر نویسندگان و شاعران از راه طبیعت خدا را به کودکان معرفی کرده‌اند. به عقیده‌ی وی بیشتر آثار در این حوزه آسیب‌محتوایی و ساختاری دارند؛ ولی با تعالیم دینی منطبقند.*

سمیرا قیومی و زهرا جلائی‌فر (۱۳۹۶) در دو مقاله خود با عنوان «*ظرفیت بازنویسی متون عرفانی به منظور رشد معنوی کودکان با توجه به نظریه‌ی آگاهی ارتباطی*» و «*معنویت در شعر کودک بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی*» از نظریه‌ی آگاهی ارتباطی به منظور تحلیل متون ادبی برای کودکان استفاده کرده‌اند. گفتنی است که این دو مقاله تنها منابع در این زمینه هستند که از بخشی از این نظریه در تحلیل متون ادبی کودکان استفاده کرده‌اند.

۳. چهارچوب نظری

ربکا نای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ «*نظریه‌ی آگاهی ارتباطی*» را در رساله‌ی دکتری‌اش با عنوان *دیدگاه روان‌شناسانه درباره معنویت کودکان* مطرح کرد. او برای این بررسی داده‌هایی را که از کودکان دریافت کرده بود؛ به دقت تحلیل کرد و نهایتاً تمام اطلاعات را زیرمجموعه

یک مفهوم کلی به نام «آگاهی ارتباطی» طبقه‌بندی کرد (رک. Hay & Nye, 2006: 108).
 نای بعداً در کتاب مشترکش با دیوید هی (۲۰۰۶) و مقالات متعدد به معرفی بیشتر این مفهوم پرداخت.

به عقیده هی و نای معنویت کودکان از طریق ویژگی خاص آن دسته از فعالیت‌های روانی کودک شناخته می‌شود که به حد کافی عمیق و پیچیده هستند که بتوان نام آگاهی را بر آن‌ها نهاد و به دلیل محدودبودنشان در یک حوزه‌ی کاملاً رابطه‌ای، بین شخصی و درون شخصی درخور توجه هستند (همان: ۱۰۹). در روش‌های تدریس جدید که در پروژه‌ی معنویت کودکان در سال ۱۹۹۰ منتشر شد، راه‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود که از طریق آن کودکان می‌توانند عامدانه به توسعه آگاهی خود کمک کنند. این تکنیک‌ها قرار نیست به کودکان تجربه معنوی بدهد، بلکه آن‌ها را به نوعی آگاهی هوشیار می‌کند که غالباً با تجربیات معنوی همراه است (رک. Hay & Nye, 1996: 146). بر اساس دایره‌المعارف رشد دینی و معنوی کودکان؛ «آگاهی ارتباطی یک اصطلاح روان‌شناختی است که اخیراً در زمینه رشد دینی و معنوی به آن توجه شده است. این اصطلاح به آگاهی از وابستگی متقابل ما با موجودات دیگر از جمله حیوانات و انسان‌های دیگر و وجود خدا اشاره دارد. این مفهوم به حساسیت ظریف نسبت به پیچیدگی‌ها و اتصال همه‌ی موجودات با یکدیگر تأکید دارد» (Thomas, 2006: 375). در نظریه‌ی دیوید هی و ربکا نای معنویت شکلی طبیعی از آگاهی انسان در نظر گرفته شده است که در طبیعت کودکان نیز متجلی است. «با این رویکرد معنویت مفهومی گسترده‌تر و نه در تعارض با دین‌داری و مذهبی بودن است» (قیومی و جلائی فر، ۱۳۹۶: ۲).

در رابطه با اصطلاح آگاهی ارتباطی در بحث معنویت کودکان پنج عنصر مطرح است که نای و هی آن را مفصلاً شرح داده‌اند:^(۱) «زمینه‌ها، شرایط، راهبردها، فرایندها و پیامدها» (Nye, 1998: 236). این عناصر کمک می‌کنند که بتوانیم کارکردها و نقش‌های مختلفی را که تجلیات مختلف معنوی در تجربه‌ی کودکان بازی می‌کنند، شناسایی کنیم (رک. Hay & Nye, 2006: 113).

۱.۳. زمینه‌ها

زمینه‌ها به طبقه‌بندی‌های اصلی اشاره دارد؛ یعنی زمینه‌های اصلی که معنویت کودکان در آن تجلی می‌یابد. این عنصر را می‌توان به‌عنوان بستر اصلی نمود معنویت در حوزه‌ی ادبیات کودک در نظر گرفت؛ زیرا این ظرفیت را دارد که داستان‌ها و روایت‌های ادبی پیرامون هر کدام از بخش‌های آن شکل بگیرد. بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی، زمینه‌های ظهور معنویت کودکان در چهار حوزه‌ی آگاهی آن‌ها صورت می‌گیرد: «آگاهی کودک‌خدا، آگاهی کودک‌مردم، آگاهی کودک‌جهان و آگاهی کودک‌خود» (Nye, 1998: 115).

۱.۱.۳. آگاهی کودک‌خدا

در این زمینه، مفاهیم در قالب حس کودک در ارتباط با خدا بیان می‌شوند. نزدیک‌ترین مفهوم به معنای سنتی معنویت همین آگاهی است و می‌تواند تجربیات صریح مذهبی را توصیف کند. مستقیم‌ترین زمینه معنویت در کودکان که هی و نای شناسایی کرده‌اند، «معنویت کودکان به‌عنوان بازتابی از احساسات و افکار آن‌ها درباره رابطه‌شان با خدا» است (همان).

۲.۱.۳. آگاهی کودک‌مردم (انسان‌های دیگر)

بحث درباره‌ی احساس رابطه‌ی کودک با دیگران غالباً پل ارتباطی با کودک و خدا را تشکیل می‌دهد که ربکا نای نام آن را معنویت «دوستی و رفاقت» نهاده‌است (رک. همان: 249). این زمینه کاملاً برای کودکان در دسترس است؛ زیرا بیشتر علاقه‌ی آن‌ها به‌طور طبیعی بر دنیای اجتماعی‌شان متمرکز است. ظرفیت این آگاهی در فراهم‌آوردن زمینه‌ای برای معنویت کودکان اهمیت این نکته را نشان می‌دهد که «باید توجه ویژه‌ای به این موضوع شود که کودکان چگونه روابط بین فردی را به‌عنوان بخشی از زندگی معنوی خود تفسیر می‌کنند» (Hay & Nye, 2006: 116).

۳.۱.۳. آگاهی کودک‌جهان (طبیعت)

نمونه‌هایی از این آگاهی نشان می‌دهد که معنویت از طریق احساس کودک در رابطه با دنیای طبیعی تجربه می‌شود. جهان برای کودکان بسیار رازآلود و حیرت‌آور است. کودکان در

اکتشافات معنوی در محیط اطرافشان بسیار خلاقانه عمل می‌کنند و بی‌آنکه آموزشی در این زمینه ببینند، با ابعاد معنوی طبیعت ارتباط برقرار می‌کند. شوایتزر نیز معتقد است که کودکان تجربیات مذهبی و معنوی دارند که آن را در اثر نوع تربیت و پرورش در خانواده به دست نیاورده‌اند؛ بلکه تعامل آن‌ها با محیط اجتماعی و طبیعی که در آن قرار گرفته‌اند، به برخی تجربیات متعالی برای آن‌ها منجر می‌شود (رک. Schweitzer, 2006: 121).

۴.۱.۳. آگاهی کودک خود

این آگاهی به رابطه‌ی کودک با هویت خود و زندگی روحی و روانی‌اش مربوط می‌شود. همانند سایر زمینه‌ها در بعضی نمونه‌ها، این آگاهی نیز پلی است که یک سوی آن به تجربیات معنوی پیوند می‌خورد؛ اما در برخی نمونه‌های دیگر این آگاهی به‌خودی‌خود شکل گرفته است. در این بعد از معنویت، کودکان به نوعی خودآگاهی دست پیدا می‌کنند (Nye, 1998: 250).

۲.۳. شرایط

منظور از این عنوان، زبانی است که کودک از طریق آن حس خود را نسبت به چهار محور ارتباطی‌اش (با خدا، با دیگران، با جهان طبیعی و با خود) بیان می‌کند. این آگاهی‌ها از طریق محیط‌های زبانی مختلف ابراز می‌شود که در آن کودکان راه‌هایی برای بیان معنویت خود پیدا می‌کنند؛ مثلاً از طریق زبان مذهبی، بیان برداشت شخصی از یک داستان یا بازی، بیان عقاید و باورها از جمله مرگ، زمان و مکانی که مخصوص به امری معنوی است (مثلاً یک عبادتگاه خاص یا زمان خاصی چون موقع اذان)، زبانی که مربوط به ارزش‌ها و اخلاقیات است، زبان علم و تکنولوژی (مثلاً درک جهان بعد از مرگ با کمک نظریه‌ی جهان‌های موازی در فیزیک) یا از طریق زبانی که بر اساس جهان طبیعی و از طبیعت الهام گرفته شده است.

۳.۳. راهبردها

راهبردها بیانگر تلاشی است که کودکان انجام می‌دهند تا با احساسات معنوی خود ارتباط برقرار کنند. بسیاری از راهکارهای آن‌ها با راهکارهای بزرگسالان هم‌چون مدیتیشن، کلیسارفتن، اقدامات بشردوستانه، روزه‌گرفتن و... متفاوت است. باین‌حال، این تکنیک‌ها برای بزرگسالان هم آشنا است. نمونه‌هایی از این راهبردها عبارتند از: تمرکز ذهنی، فلسفه‌ورزی، جستجوگری، به‌کارگرفتن حس زیبایی‌شناختی، مطرح‌کردن سؤالات پیچیده، تخیل و رؤیاپردازی، استدلال‌کردن، دعاکردن، به دنبال معنا گشتن یا نتیجه‌ی اخلاقی گرفتن (رک. Nye, 1998: 236).

۴.۳. فرایندها

فرایندها به تغییرات کودک مربوط می‌شود. فرایند تغییرات معنویت در بحث آگاهی ارتباطی به دو دسته تقسیم می‌شود: تغییرات موضعی یا درازمدت. تغییرات موضعی تغییراتی است که به‌طور مثال طی فرایند یک مصاحبه صورت می‌گیرد؛ اما تغییرات طولانی‌مدت به آنچه فرد در طول زندگی درباره‌ی تغییر در تجربیات معنوی به دست می‌آورد مربوط می‌شود. این تغییرات نشان می‌دهد که رابطه‌ی کودکان با معنویت رابطه‌ای پویا است و این رابطه‌ی فطری در طول زمان به افزایش درک و شناخت کودک از معنویت و خودآگاهی او منجر می‌شود (رک. همان: 236-237).

۵.۳. پیامدها

پیامدها به تأثیرات تجربیات معنوی در کودک اشاره دارد. احساسات مثبت رایج‌ترین نمونه‌های ذکرشده در این حوزه است؛ کودکان احساساتی چون احساس آرامش، صلح، تقدس و خوب‌بودن از نظر اخلاقی، سپاسگزاری، حس ارزشمندی، حیرت و در برخی نمونه‌ها احساسات عرفانی از قبیل احساس یگانگی، فراموش کردن خود و احساس آزادی را بیان کرده‌اند (رک. همان: 237).

۴. نمود معنویت در داستان‌های کودک بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی

بحث نمود معنویت در داستان‌های کودکان موضوعی بسیار حساس است؛ زیرا علاقه‌مندی و دلزدگی کودکان در دو سر پیوستار قرار می‌گیرد. تروزدیل معتقد است؛ کتاب‌های کودک که با رویکرد دینی به چاپ می‌رسند، وسیله‌ای برای پندواندازهای اخلاقی و تلقین مستقیم فضائل دینی است که نویسندگان بزرگسال از این طریق با تحمیل تفسیری از پیش تعیین‌شده از داستان، امکان گفتگو و تعامل کودک با داستان را از او می‌گیرند (رک. Trousdale, 2004: 181-182). دلیل آن این است که بزرگسالان غالباً تصورات دقیق و درستی از کودکی در ذهن ندارند. پیترو هانت درباره‌ی تصویر بازنموده‌شده از کودکی در کتاب‌های کودک می‌گوید: «آنچه به‌عنوان کودکی در کتاب‌های کودک نشان داده می‌شود، بیشتر شبیه مدلی است که بزرگسالان درباره‌ی کودکی می‌اندیشند» (Hunt, 2009: 51).

این تصور اشتباه باعث می‌شود که گاه نویسندگان بزرگسال از ذائقه‌ی ذاتی هنری کودکان در تشخیص کتاب‌های خوب غافل شوند و بستر ادبیات کودک را با کلاس درس اخلاق اشتباه بگیرند. در مقابل، داستان‌هایی وجود دارد که کودک را با خود به سفری معنوی دعوت می‌کنند و جنبه‌های مختلف تجربیات معنوی را در خلال داستان با او به اشتراک می‌گذارند. در واقع «کتاب‌های معنوی پاسخ مشخصی به سؤالات معنوی کودکان نمی‌دهند؛ در عوض آن‌ها را به تفکر و تعمق بیشتر درباره‌ی مسائل معنوی دعوت می‌کنند» (Trousdale, 2005: 64).

پیش از به‌کارگیری نظریه‌ی آگاهی ارتباطی در بررسی داستان‌های کودکان، نخست باید توجه داشت که این نظریه بر اساس تحقیقات بالینی و مصاحبه با کودکان حقیقی شکل گرفته است؛ حال آنکه ما در بررسی داستان‌ها با کودک حقیقی سروکار نداریم؛ بلکه اعمال و ارتباطات کاراکترها و مفاهیمی را تحلیل می‌کنیم که نویسنده از طریق روایت نقل‌شده در کتاب به کودکان منتقل می‌کند. بنابراین لازم است ابتدا عناصر پنج‌گانه‌ی این نظریه را دوباره منطبق با کاربردش در تحلیل داستان، تعریف کنیم:

الف. زمینه‌ها در داستان‌های معنوی کودکان به صورت درون‌مایه‌ی اصلی داستان و در خلال چینش نویسنده برای پیشبرد طرح داستانی نمود می‌یابد. «درون‌مایه فکر نهفته در ساختار داستانی است و هر نویسنده‌ای داستانش را با درون‌مایه‌ی خاصی می‌آفریند» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۳۰). بررسی‌های ما نشان می‌دهد که چهار زمینه‌ای که در نظریه‌ی آگاهی ارتباطی نام برده شده است، درون‌مایه‌ی داستان‌های معنوی کودکان را کاملاً پوشش می‌دهد.

ب. در بخش شرایط، هی و نای از زبان‌های مختلفی نام برده‌اند که بیان معنوی کودک در آن شکل می‌گیرد. در داستان‌های معنوی کودک، شرایط را نویسنده انتخاب می‌کند. این نویسنده است که انتخاب می‌کند نگرش معنوی در کتابش به کدام سرچشمه متصل باشد و از مفاهیم کدام منبع تغذیه کند. عموماً داستان‌های کودکان فقط از یک زبان برای طرح موضوع استفاده نمی‌کنند و روایت از منابع مختلفی تغذیه می‌کند.

ج. در تئوری هی و نای راهبردها بیان‌گر تلاش‌های کودک برای برقراری ارتباط با احساسات معنوی است؛ اما ما در بررسی داستان‌های معنوی کودکان راهبردهای نویسنده را در نظر می‌گیریم؛ زیرا این نویسنده است که راهبرد را تعیین می‌کند و حلقه اتصال کودک و مفاهیم معنوی است. داستان‌های معنوی داستانی‌هایی است که کودک را به سفری درونی دعوت می‌کند. نویسنده در واقع راهنمای کودک در این سفر است.

د. در بخش فرایندها، تغییرات کودک طی مصاحبه‌ی بالینی یا در طی زندگی بررسی می‌شود؛ اما با توجه به اینکه ما در تحلیل داستان‌ها با کودک واقعی سروکار نداریم، پس نمی‌توانیم اشرافی بر تغییرات آگاهی یک شخصیت داشته باشیم. به همین دلیل، در کاربرد این نظریه برای تحلیل کتاب‌های کودکان، فرایندها و پیامدها را به‌عنوان یک عنصر در نظر می‌گیریم و آن بخش از تغییرات شخصیت را که نویسنده در داستان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به آن اشاره می‌کند، به‌عنوان بخشی از پیامدها در نظر می‌گیریم. پیامدهای اصلی نیز بر اساس حالات، صحبت‌ها و رفتارهای شخصیت در پایان داستان تفسیر می‌شود.

۵. بررسی ابعاد معنویت در داستان‌های کلر ژوبرت

کلر ژوبرت^۱ نویسنده و تصویرگر کتاب‌های کودکان است. او در سال ۱۹۶۱ میلادی در پاریس متولد و در یک خانواده متوسط تحصیل کرده‌ی مسیحی بزرگ شد. ژوبرت در سن نوزده سالگی مسلمان شد. چندی بعد با یک دانشجوی ایرانی ازدواج کرد و از سال ۱۳۶۲ مقیم ایران شد. وی تاکنون کتاب‌های زیادی برای کودکان به زبان فارسی و فرانسوی چاپ کرده است. کتاب *در جستجوی خدا* جایزه‌ی دهمین جشنواره‌ی کتاب سلام بچه‌ها و پوپک و جایزه‌ی جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد را کسب کرده است. هم‌چنین کتاب *خدا/حافظ راکون* پیر جایزه‌ی سیزدهمین جشنواره کتاب سلام بچه‌ها و کتاب سال شهید غنی پور و پروین اعتصامی را از آن خود کرده است. او «با زبانی ساده و قابل فهم و با بهره‌گیری از جلوه‌های طبیعت و نیز با ترسیم تصاویر مناسب و زیبا، به شناخت مفاهیم و جلوه‌های خداشناسی به مخاطبان خود کمک کرده است» (ذوالفقاری و فروزانفر، ۱۳۹۳: ۲۶۵).

ما چهار اثر از این نویسنده را که برای گروه سنی «ب» و «ج» (سال‌های ابتدایی) نوشته شده است؛ برگزیدیم تا در ادامه بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی این آثار و ابعاد مختلف معنویت را در آن‌ها بررسی کنیم. انتخاب این چهار کتاب بر اساس درون‌مایه‌ی آن‌ها و در راستای چهار زمینه‌ی معنویت کودکان در نظریه‌ی هی و نای بوده است:

ارتباط کودک با خدا: *در جستجوی خدا* (۱۳۸۴)

ارتباط کودک با خود: *غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو* (۱۳۸۵)

ارتباط کودکان با دیگران: *کلوچه‌های خدا* (۱۳۸۷)

ارتباط کودک با جهان: *خدا/حافظ راکون* پیر (۱۳۸۸)

۱.۵. در جستجوی خدا

این کتاب درباره‌ی سنجاب کوچکی به نام موشکا است که با پیرزنی به نام بی‌بی سکینه زندگی می‌کند و متوجه می‌شود که بی‌بی مدام خدا را صدا می‌زند. موشکا تصمیم می‌گیرد

^۱. Claire Jobert

که هرطور شده خدا را پیدا کند و به خانه‌ی بی‌بی بیاورد. در مسیرش به کوه، پروانه، خرس و خورشید می‌رسد و از آن‌ها درباره‌ی خدا می‌پرسد. هر یک درباره‌ی بزرگی، مهربانی و قدرت خدا با او صحبت می‌کنند و ندرنهایت خورشید به او می‌گوید که خدا همه‌جا هست و تو نمی‌توانی با چشم او را ببینی. موشکا به خانه‌ی بی‌بی برمی‌گردد و بی‌بی درباره‌ی خدا با او صحبت می‌کند.

۱.۱.۵. زمینه در کتاب در جست‌وجوی خدا

زمینه‌ی این کتاب مشخصاً درباره‌ی رابطه‌ی کودک با خداست. موشکا به نیابت از مخاطب فرضی داستان، به دنبال خدایی می‌گردد که دیده نمی‌شود و از زبان موجودات دیگر و درنهایت از زبان بی‌بی با این خدای پنهان از چشم‌ها آشنا می‌شود.

۲.۱.۵. شرایط در کتاب در جست‌وجوی خدا

ژوبرت برای شکل‌دادن پیرنگ داستانی این کتاب، از زبان مذهبی بهره برده است. پرداختن مستقیم به مفهوم خدا که اساساً مفهومی دینی است، مبین این مدعا است. همچنین خداوند در جریان داستان به گونه‌ای توصیف می‌شود که غالباً در ادبیات دینی اسلامی چنین وصف می‌شود. ما بن‌مایه‌ی دینی تعدادی از جملات این داستان را استخراج کرده‌ایم که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

در داستان آمده است: «کوه با صدای کلفتش جواب داد: البته که می‌شناسم! اوست که مرا اینجا گذاشته. می‌توانی او را از بزرگی‌اش بشناسی. خدا از من خیلی بزرگ‌تر است. بزرگ‌ترین موجود عالم است» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۸). بن‌مایه‌ی دینی این گفت‌وگو این است که خداوند از همه بزرگ‌تر است، اوست که کوه‌ها را با تمام عظمتشان بر روی زمین قرار داده است و همچنین او بزرگ‌تر از آن است که ربوبیتش به احاطه‌ی قلبی و دیدن با چشم ثابت شود. این مفهوم دینی در آیاتی از قرآن تکرار شده است؛ از جمله «وَ أَنْ اللَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (حج/۶۲) یا «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا» (نبأ/۷-۶) هم‌چنین در فرمایشی از امیر مؤمنان در نهج البلاغه آمده است: «عَظُمَ عَنْ أَنْ تَنْبَتَ رَبُّوبِيَّتُهُ بِإِحَاطَةِ قَلْبٍ أَوْ بَصَرٍ» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

در بخش دیگری از کتاب، موشکا وقتی که به پروانه می‌رسد؛ از او درباره‌ی خدا می‌پرسد و پروانه پاسخ می‌دهد: «البته که می‌شناسم! اوست که این بال‌های قشنگ را به من داده. اما او از من خیلی زیباتر است!» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۱۰). بن‌مایه‌ی دینی این کلام پروانه این است که خداوند زیبا است و مخلوقات را زیبا آفریده است. ما در احادیث و روایات و آیات اسلامی نیز به چنین مفهومی بر می‌خوریم؛ از جمله حدیث «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (کلینی، ج ۶: ۴۳۸) و یا آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده/۷).

درباره‌ی مهربانی خداوند هم مطالبی در این داستان آمده است که ریشه در آیات قرآن دارد و مشخص است که کلر ژوبرت بر این مفاهیم قرآنی تسلط داشته است؛ به‌طور مثال «خدا به همه توجه می‌کند. این گل کوچک را ببین. خدا آن را هم فراموش نمی‌کند. خدا مهربان‌ترین موجود عالم است» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۱۲). آیاتی از قرآن است که دقیقاً به مفاهیم موجود در همین گفت‌وگوی کوتاه اشاره دارد؛ اینکه هر موجودی رزق و روزی از جانب خداوند دریافت می‌کند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود/۶)، خداوند فراموشکار نیست: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم/۶۴) و اوست که مهربان‌ترین مهربانان است: «وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف/۶۴).

در بخش دیگری، خورشید خطاب به موشکا می‌گوید: «خدا همه‌جا هست. لازم نیست این قدر دنبالش بگردی. هر جا بروی او را پیدا می‌کنی» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۱۷). این جمله نیز بر اساس مفهوم آیه‌ای از سوره‌ی بقره است؛ اینکه به هر سوی که رو کنی، وجهی از خدا را خواهی دید و عالم محضر خداست: «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره/۱۱۵). وقتی که موشکا از پیدا کردن و دیدن خداوند ناامید می‌شود، باز هم خورشید به او دلداری می‌دهد و به او می‌گوید: «گریه نکن، سنجاب کوچولو! خدا دیدنی نیست، اما او ما را می‌بیند. وقتی هم صدایش می‌زنیم، صدای ما را می‌شنود» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۱۸). مفهوم این کلام خورشید در سوره‌ی انعام و بقره به‌صراحت آمده است؛ اینکه ما خدا را نمی‌بینیم؛ اما او ما را می‌بیند: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام/۱۰۳)

و اینکه هرکس که خداوند را صدا بزند، خداوند نزدیک است و او را اجابت می‌کند: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره/۱۸۶).

۳.۱.۵. راهبردها در کتاب در جست و جوی خدا

جستجوگری و پرسیدن سؤال راهبرد اصلی‌ای است که نویسنده در نگارش این اثر معنوی به آن پرداخته است. پرسش، راهبردی کودکانه است که بیشتر کودکان برای کشف و پی‌بردن به رازهای خلقت از آن بهره می‌برند و بزرگسالان غالباً مرجع آگاه برای پاسخگویی به سؤال‌های کودکان هستند. در این کتاب پروانه، کوه، خورشید و خرس در مقام بزرگسال دانش خود درباره‌ی خدا را با موشکا و در بعدی وسیع‌تر با مخاطبان کودک این اثر به اشتراک می‌گذارند. این راهبرد با اصل لزوم بیان هنری و پرهیز از مستقیم‌گویی در داستان‌های کودکان هماهنگ است و نویسنده هوشمندانه آن را انتخاب کرده و از این طریق توانسته است محتوای آموزشی را در قالبی هنری ارائه دهد.

۴.۱.۵. فرایندها و پیامدها در کتاب در جست و جوی خدا

بر اساس نمودار ساختار داستانی، اگر موشکا را در وضعیت آرام اولیه و وضعیت آرام ثانویه در نظر بگیریم، تغییرات شخصیت و پیامدهای این جستجوگری معنوی به چشم می‌آید. آنچه در اثر این جستجوگری برای موشکا اتفاق می‌افتد، شناخت بیشتر خداوند است. او در نهایت یاد می‌گیرد که «خدا با چشم دیدنی نیست، ولی جهان پر از نشانه‌های خداست» (ژوبرت، ۱۳۸۴: ۲۰). این پیامد بر اساس تقسیم‌بندی هی و نای از احساسات معنوی کودکان، از احساساتی است که به معنا و فهم جدیدی از خداوند و جهان هستی برای کودکان منجر می‌شود (Hay & Nye, 1996: 151).

۲.۵. داستان کلوجه‌های خدا

این کتاب درباره خرس کوچولویی است که صبحی بهاری از خواب بیدار می‌شود و تصمیم می‌گیرد که به خاطر این همه زیبایی از خدا تشکر کند. او با جوجه تیغی و کلاغ مشورت می‌کند. جوجه تیغی پیشنهاد می‌دهد که برای تشکر از خدا با همه مهربانی کند

و کلاغ او را راهنمایی می‌کند که برای خدا کلوچه بپزد و آن را روی تپه بگذارد. خرس کوچولو به حرف کلاغ گوش می‌دهد. او در راه به چند حیوان برمی‌خورد و کلوچه‌ها را یکی‌یکی به آن‌ها می‌بخشد. در پایان خرس کوچولو دوباره به جوجه‌تیغی برخورد می‌کند و از او می‌پرسد که آیا مطمئنی که خدا مهربانی‌کردن را بیشتر از کلوچه دوست دارد؟ آن وقت ابرها از جلوی خورشید کنار می‌روند و رنگین‌کمان بزرگی در آسمان درست می‌شود.

۱.۲.۵. زمینه در کتاب کلوچه‌های خدا

باتوجه به درون‌مایه، زمینه‌ی اصلی این کتاب درباره‌ی رابطه کودک و دیگران است. مفهوم اصلی که در این کتاب منتقل می‌شود در واقع نوعی معنویت اخلاقی را مطرح می‌کند. ژوبرت در این داستان مهربانی‌کردن با موجودات دیگر را به‌عنوان بهترین راه تشکر از خدا معرفی می‌کند.

۲.۲.۵. شرایط در کتاب کلوچه‌های خدا

زبانی که کلر ژوبرت برای انتقال مفاهیم معنوی در این کتاب انتخاب می‌کند، از یک سو زبان مذهبی است و از سوی دیگر زبان ارزش‌ها و اخلاقیات است. سفر خرس کوچولو اساساً برای تشکر از خداوند به‌خاطر فصل بهار و زیبایی‌هایش است: «خرس کوچولو سرش را خاراند و از خود پرسید: چطور برای این همه قشنگی از خدا تشکر کنم؟» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۲) و از آنجاکه این تفکر که خداوند خالق تمام هستی است، تفکری دینی است، پس فکر اصلی این کتاب از رویکرد مذهبی نویسنده نشأت می‌گیرد؛ از سوی دیگر نویسنده تشکر از خدا را به مهربانی‌کردن با دیگران پیوند داده است. مهربان‌بودن با مردم بخشی از ارزش‌ها و اخلاقیات است و هنگامی که در ارتباط با رضایت خداوند هم قرار می‌گیرد، به‌عنوان امری متعالی معرفی می‌شود. در احادیث نبوی بارها بر این مهم تأکید شده است؛ پیامبر اکرم می‌فرماید: «دوستی و مهرورزی (با مردم) نیمی از دین است»^(۲) یا «بهترین کارها پس از ایمان به خدا، دوستی با مردم است»^(۳). بنابراین می‌توان گفت که رویکرد این داستان ارائه‌ی نوعی معنویت اخلاقی و اجتماعی بر اساس

ارزش‌های دینی است که به زبان کودکان بیان شده است و قطعاً تحصیلات حوزوی نویسنده در انتخاب رویکرد دینی برای نگارش این داستان مؤثر بوده است.

۳.۲.۵. راهبردها در کتاب *کلوچه‌های خدا*

برای شناسائی راهبرد باید دید نویسنده، مخاطب را از کدام مسیر به حقیقت معنوی می‌رساند. در داستان *کلوچه‌های خدا* نیز مهم‌ترین استراتژی ژوبرت جستجوگری و سناریوی سفر است. جستجوگری در داستان‌ها از دو طریق حاصل می‌شود: یا همچون کتاب در جست‌وجوی *خدا* از طریق پرسش از افراد مختلف یا همچون داستان *کلوچه‌های خدا* از طریق تجربه‌گری شخصیت در طی مسیر حاصل می‌شود. وقتی که خرس کوچولو اولین کلوچه را به بچه‌آهو می‌بخشد، بچه‌آهو تشکر می‌کند و می‌گوید: «خدا از تو راضی باشد خرس کوچولو!» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۱۲). خرس کوچولو از این دعا دلشاد می‌شود و با خود می‌گوید: «مهربان بودن آن‌قدر هم که فکر می‌کردم سخت نیست» (همان). این نخستین آگاهی است که در طی مسیر برای خرس کوچولو حاصل می‌شود و این نگرش باعث می‌شود که کم‌کم در جریان سفرش کلوچه‌هایی را که برای خدا درست کرده بوده، به دیگران ببخشد. راهبرد سفر، برای انتقال مفاهیم معنوی به کودکان راهبردی مناسب است؛ چون تحرک شخصیت در داستان و در تعامل قرارگرفتن با سایرین، بستری فراهم می‌کند تا عمل داستانی و گفتگوها در مکان‌های مختلف و با افراد گوناگون شکل بگیرد و درعین حال که مفاهیم اخلاقی به کودک منتقل می‌شود، از بار اندرزی و تعلیمی آن کاسته شود.

۴.۲.۵. فرایندها و پیامدها در کتاب *کلوچه‌های خدا*

مهم‌ترین پیامدی که مخاطب را با خود همراه می‌کند، تغییر در نگرش خرس کوچولو است. او قبل از اینکه وارد سفر شود، راه تشکر از خدا را نمی‌دانست. در جریان داستان مخاطب هم‌راستا با خرس کوچولو حس رضایت و خشنودی حیوانات دیگر را بعد از دریافت کلوچه‌ها می‌بیند و زیبایی و معنویت نهفته در مهربانی برای دیگران را درمی‌یابد. نویسنده نتیجه‌ی رضایت‌مندی خداوند را در پایان داستان به صورت نمادین با ظاهرشدن رنگین‌کمان نشان می‌دهد و خرس کوچولو با اینکه کلوچه‌ای برایش نمانده بود تا برای خدا ببرد اما «ته

دلش مطمئن بود که خدا از او راضی است» (همان: ۲۴). در واقع رنگین‌کمان در پایان داستان نمادی از خیر نهایی است که هی و نای از آن به‌عنوان یک احساس معنوی در کودکان یاد می‌کنند. به عقیده‌ی ایشان «آگاهی از خیر نهایی، کودکان را از مرحله‌ی درک خوبی «صرفاً» اخلاقی به درک انتزاعی عشق بی‌قید و شرط می‌رساند» (Hay & Nye, 1996: 150).

۳.۵. کتاب خدا/حافظ راکون پیر

این کتاب با ماجرای دو خرگوش شروع می‌شود که موقع زایمان فرزندانشان است؛ اما بچه‌ی هفتم به دنیا نمی‌آید. خرگوش پدر برای گرفتن کمک پیش راکون پیر می‌رود. راکون پیر با دیدن خرگوش مادر به شکم او ضربه کوچکی می‌زند و می‌گوید: «خرگوش کوچولویی که آن تو مانده‌ای! بیا بیرون که دنیای ما خیلی بزرگ‌تر، روشن‌تر و زیباتر است» (ژوبرت، ۱۳۸۸: ۶). شب بالاخره خرگوش هفتم به دنیا می‌آید و نامش را «تک» می‌گذارند. تک کم‌کم دوست راکون پیر می‌شود تا اینکه او از دنیا می‌رود. یک‌روز که تک دلتنگ راکون بوده است، ناگهان می‌بیند که راکون پیر آمده و او را دلداری می‌دهد. تک با شنیدن حرف‌های راکون آرام می‌شود. در پایان سنجابی نزد تک می‌آید و از او کمک می‌خواهد؛ چون همسرش در حال زایمان بوده است و یکی از بچه‌های آن‌ها به دنیا نمی‌آمده است. تک برای کمک به آن‌ها می‌رود.

۱.۳.۵. زمینه در کتاب خدا/حافظ راکون پیر

موضوع اصلی این کتاب جایگاه انسان در جهان هستی است که در قالب روایتی با شخصیت‌های حیوانی به تصویر کشیده شده است. درون‌مایه‌ی داستان بر جهان پس از مرگ و زندگی بعد از مرگ استوار است. جهان برای کودکان بسیار رازآلود و عجیب است و مرگ یکی از پدیده‌های این جهان است که همواره ذهن کودکانی را که با آن به هر شکلی درگیر شده‌اند، مشغول می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که زمینه‌ی اصلی این کتاب بر رابطه‌ی کودک با جهان متمرکز است و محور انتقال مفاهیم معنوی بر موضوع مرگ، زندگی پیش از تولد و ادامه‌ی زندگی بعد از مرگ استوار است. رحم مادر که «تک»

پیش از تولد، قصد جدایی از آن را نداشته است، نماد جهان پیش از تولد است و راکون پیر هم در نهایت به جهان بعد از مرگ منتقل می‌شود.

۲.۳.۵. شرایط در کتاب *خدا حافظ راکون پیر*

اندیشه‌ی ادامه یافتن زندگی پس از مرگ بر اساس نگرش مذهبی و هم‌چنین عقاید و باورها شکل گرفته است. بنابراین ژوبرت در این داستان هم مفاهیم معنوی را از معبر زبان دینی به کودکان منتقل کرده است. تمثیل اصلی این داستان؛ یعنی بیرون آمدن کودک از شکم مادر که راکون فرایند مرگ را بر اساس آن شرح می‌دهد، بر اساس کلامی از پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرمایند: «بیرون رفتن مؤمن از دنیا را تشبیه نمی‌کنم؛ مگر مانند بیرون رفتن کودک از شکم مادر از آن همه اندوه و تاریکی به سوی آسایش دنیا».^(۴) افزون بر این در نمونه‌های دیگری نیز وام‌گیری از آیات و احادیث دیده می‌شود. راکون پیر پس از مرگش خطاب به تک می‌گوید: «الان هم فکر می‌کنی دنیایی که در آن هستی، بهترین جا برای ماندن است. اما باز اشتباه می‌کنی. دنیای ناشناخته‌ای که به آن رفته‌ام، خیلی بزرگ‌تر و قشنگ‌تر است. پس لازم نیست نگران من باشی» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۲۶). در سوره‌ی اعلی آیات ۱۶ و ۱۷ به چنین مفهومی اشاره شده است: *بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا «۱۶» وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَابْقَى «۱۷»* (ولی شما زندگی دنیا را ترجیح می‌دهید «۱۶» و حال آنکه آخرت بهتر و ماندگارتر است «۱۷» (اعلی / ۱۶-۱۷))

وقتی که تک، راکون پیر را پس از مرگش ملاقات می‌کند، به او می‌گوید: «اما من اینجا مانده‌ام و دلم برای تنگ می‌شود، آقا بزرگ! چه کار کنم؟» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۲۶)؛ راکون جواب می‌دهد: «با خدا حرف بزن تا دلت آرام شود» (همان). در اینجا نیز اثرپذیری نویسنده از قرآن کریم مشهود است و مضمون گفت‌وگو به آیه‌ی ۲۸ سوره‌ی رعد اشاره دارد: *«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»* (آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد). حضرت علی(ع) نیز می‌فرمایند: «یاد خدا عقل را آرامش می‌دهد، دل را روشن می‌کند و رحمت او را فرود می‌آورد».^(۵) تمام اعتقادات مربوط به مرگ، در زمره‌ی عقاید و باورها هم قرار

می‌گیرد؛ بنابراین زبانی که این کتاب را شکل می‌دهد، در اصل زبان اعتقادات است که در این نمونه‌ی خاص بر اساس اعتقادات مذهبی شکل گرفته است.

۳.۳.۵. راهبردها در کتاب *خدا حافظ راکون پیر*

مهم‌ترین استراتژی کلر ژوبرت در این داستان، استفاده از فضای سمبولیک برای بیان مفاهیم معنوی است. عبور از جهان رحم به دنیای واقعی، تمثیلی از عبور ما از این دنیا به دنیای دیگر در لحظه‌ی مرگ است. این استراتژی به این دلیل ارزشمند است که امری انتزاعی، به صورت عینی برای کودک ارائه می‌شود تا برای او فهم‌شدنی باشد. در تقسیم‌بندی گلدمن از مراحل تفکر مذهبی، کودکان تا سن عقلی سیزده و چهارده‌سالگی در مرحله‌ی تفکر مذهبی عینی قرار دارند (رک. باهنر، ۱۳۸۷: ۶۷). به همین دلیل، رویکرد نمادگرایی، رویکردی مؤثر برای انتقال مفاهیم معنوی به کودکان در این سنین است.

۴.۳.۵. فرایندها و پیامدها در کتاب *خدا حافظ راکون پیر*

راکون پیر در پایان داستان به تک می‌گوید: «با خدا حرف بزن تا دلت آرام شود. کم‌کم عادت می‌کنی که کنارت نباشم و فقط توی قلبت باشم» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۲۶). در اینجا راکون جایگزین وجود «فانی» خودش را وجود «باقی» خداوند قرار می‌دهد و صحبت کردن با خداوند را به عنوان راه حلی برای آرامش تک معرفی می‌کند. پس یکی از پیامدهایی که مخاطب کودک با تک در آن سهیم می‌شود، افزون‌بر آگاهی نسبت به کیفیت مرگ و جهان پس از آن، حس آرامش و اطمینان به خیر نهایی است.

۴.۵. کتاب *غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو*

این کتاب درباره‌ی مارمولک سبز کوچکی است که تازه سر از تخم بیرون آورده است و با دیدن حیوانات مختلف آرزو می‌کند که ای کاش توانایی‌های آن‌ها را داشت. اما هر بار که به گونه‌ای شنا یا پرواز و... را تجربه می‌کند، از آرزوی خود پشیمان می‌شود. در نهایت مارمولک خسته از آرزوهایش روی صخره‌ای به خواب می‌رود و وقتی بیدار می‌شود می‌گوید: «خدا می‌دانست تنها نیازم، کمی آفتاب است و یک صخره تا بخوابم و خواب خوش بینم» (ژوبرت، ۱۳۸۵: ۲۴) و سپس برای تمام چیزهایی که خداوند به او داده و نداده شکر می‌کند.

۱.۴.۵. زمینه در کتاب غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو

درون‌مایه‌ی این کتاب پیرامون فرد و ارتباط با خودش شکل گرفته است. «مارمولک سبز کوچولو» نماد شخصی است که توانایی‌ها و ارزش‌های وجودی خویش را فراموش کرده است و به دنبال ارزش‌ها در وجود دیگران می‌گردد. بنابراین زمینه اصلی این کتاب و مفهوم معنوی که نویسنده قصد انتقال آن به کودک را داشته است، در بستر رابطه‌ی کودک با خود شکل می‌گیرد.

۲.۴.۵. شرایط در کتاب غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو

زبانی که کلر ژوبرت در این کتاب همچون سایر کتاب‌هایش استفاده کرده است، با توجه به اشاره‌های مستقیمش به مفهوم خداوند به‌عنوان خالق، برگرفته از دین است. افزون بر زبان مذهبی، نویسنده از زبان جهان طبیعی نیز بهره برده است؛ زیرا تمرکز این کتاب نیز بر مارمولک به‌عنوان یکی از مخلوقات و جزء کوچکی از جهان طبیعی اطراف ماست. در این داستان خود مارمولک پس از تجارب مختلف با زبانی کودکانه اعلام می‌کند که خلقتش به کمال بوده است: «خدای مهربان می‌دانست که نیازی به پروازکردن و شناکردن ندارم، نیازی به پریدن و دویدن ندارم» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۱۲). در واقع مارمولک در ابتدا به خلقتش معترض است، اما در پایان داستان در مقابل اراده‌ی خداوند تسلیم می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که خداوند آگاه‌تر از او است. درون‌مایه‌ی اصلی این کتاب با آیه‌ی ۲۱۶ سوره بقره مرتبط است: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید، ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شرّ و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید) (بقره/ ۲۱۶). در آیات، احادیث و روایات متعدد^(۶) بر این نکته تأکید شده است که خداوند آفریننده است و علم او بر همه مخلوقات محیط است. اثرپذیری نویسنده از این آیات در کتاب غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو آشکار است و نشان می‌دهد که ژوبرت در این کتاب نیز از ادبیات مذهبی بهره برده است.

۳.۴.۵. راهبردها در کتاب *غصه مارمولک سبز کوچولو*

راهبردی که ژوبرت انتخاب کرده است تا کودک را در این سفر معنوی همراهی کند، جستجوگری، تجربه‌گری و سؤالات متوالی است که مناسب روحیه‌ی کودکان مخاطب کتاب است و این حس مشترک می‌تواند باعث جذب مخاطب کودک به این کتاب شود. کودکان با توضیحات بزرگسالان قانع نمی‌شوند و میل به تجربه‌گری دارند که در این داستان چنین فضایی فراهم می‌شود. در واقع کودک از طریق این داستان می‌تواند دیگرگونه‌بودن را تجربه کند و نتیجه آن را لمس کند. مارمولک به‌عنوان یک فرد ناراضی، یک جا نمی‌نشیند؛ بلکه مدام از حیوانات مختلف سؤال می‌پرسد، با آن‌ها همراه می‌شود و به کمک خودشان طعم توانایی‌های خاص آن‌ها را می‌چشد.

۴.۴.۵. فرایندها و پیامدها در کتاب *غصه مارمولک سبز کوچولو*

اگر بر اساس نمودار ساختار پیرنگ داستانی، وضعیت آرام اولیه و در انتها وضعیت آرام ثانویه را در نظر بگیریم، تفاوت اصلی در کشفی است که به‌وسیله‌ی مارمولک اتفاق افتاده است و مخاطبان کودک را نیز در این کشف خود سهیم می‌کند. پیامد این جستجوگری و این سفر معنوی احساس آرامش، شکرگزاری و حس ارزشمندی است. مارمولک در انتهای کتاب دیگر نه به‌دنبال پرواز کردن است، نه شنا کردن. او فهمیده است که تنها نیازش خوابیدن روی یک صخره بوده است و خواب ببیند که پرواز می‌کند، شنا می‌کند، می‌پرد و به‌خاطر این آگاهی خداوند را شکر می‌کند: «خدای خوبم! برای تمام چیزهایی که به من دادی و چیزهایی که به من ندادی، ممنونم!» (ژوبرت، ۱۳۸۷: ۲۵). این حس شکرگزاری پیامدی است که در انتهای داستان راهنمای کودک می‌شود تا خداوند را به‌خاطر نعمت‌هایش شاکر باشد؛ زیرا داده‌هایش رحمت است و نداده‌هایش از سر حکمت است.

۶. نتیجه‌گیری

براساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی و بررسی معنویت در آثار داستانی کلر ژوبرت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که: در بخش زمینه‌ها، ژوبرت چهار محور زمینه‌ای در نظریه‌ی آگاهی ارتباطی

را در کتاب‌های داستانی‌اش گنجانده است: کتاب *در جستجوی خدا* در زمینه‌ی ارتباط کودک با خدا، *کلوچه‌های خدا* در زمینه‌ی رابطه‌ی کودک و دیگران، *خداحافظ* *راکون* پیر در زمینه‌ی رابطه‌ی کودک با جهان و *غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو* در زمینه‌ی ارتباط کودک با خویش نوشته شده است. نویسنده کوشیده است تا در زمینه‌های نام‌برده آگاهی معنوی کودک را ارتقا دهد و مخاطب کودک با جنبه‌های عمیق‌تری از این موضوعات ارتباط برقرار کند.

در بخش شرایط، مهم‌ترین فضایی که این نویسنده مفاهیم معنوی را از آن دریافت و به کودکان منتقل می‌کند، ادبیات دینی است. در هر چهار کتاب بررسی شده در این نوشتار، نگرش دینی نقش پررنگی در انتخاب موضوع، پیرنگ داستانی و افکار و اعمال شخصیت‌های داستانی داشته است. به نظر می‌آید زندگی شخصی نویسنده و بحث تغییر دین از مسیحیت به اسلام و سپس تحصیلات حوزوی وی (سطح دو حوزه) از عوامل مهم این گرایش و دغدغه‌مندی در این حوزه باشد. گرایش به زبان دینی باعث شده است ژوبرت به‌عنوان یک نویسنده کودک از زبان‌های مؤثر دیگر، از جمله زبان جهان طبیعت برای انتقال مفاهیم معنوی به کودکان غافل شود یا در صورت بهره‌گیری از سایر زبان‌ها، کاربرد و نمود سایر زبان‌های معنوی زیر سایه‌ی زبان دینی محو شود. به همین دلیل است که کتاب‌های این نویسنده غالباً حال‌وهوای یکنواختی دارد.

در بخش راهبردها، جستجوگری و پرسش‌گری مهم‌ترین راهبردهایی است که ژوبرت انتخاب کرده است. سناریوی سفر معنوی در پیرنگ کتاب *کلوچه‌های خدا* و در جستجوی *خدا* طرح‌ریزی شده است و در کتاب *غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو*، تجربه‌گری‌های مارمولک نیز چاشنی جستجوگری او شده است. هرچند که تکنیک جستجوگری و پرسش‌گری برای کودکان جذاب است؛ اما این راهبرد تکرارشونده می‌تواند این نویسنده‌ی موفق را به ورطه پیرنگ‌های تکراری بکشاند که باید به آن آگاه باشد. ژوبرت در کتاب *خداحافظ* *راکون* پیر با طراحی یک فضای سمبولیک و تمثیلی، از استراتژی استدلال بهره برده و با تمثیلی از زایمان و ورود ما به این جهان کوشیده تا مرگ و ورود

ما به جهان دیگر را برای کودک ملموس کند. بنابراین می‌توان گفت که در این کتاب راهبرد متفاوتی را نسبت به کتاب‌های دیگر برگزیده است.

در نهایت مهم‌ترین فرایند و پیامد این چهار داستان معنوی در درجه‌ی اول به تغییر در سطح آگاهی و نگرش معنوی کودکان معطوف می‌شود و در درجه‌ی بعد پایان‌بندی داستان‌ها، القاکننده‌ی حس آرامش و اعتماد به خیر نهایی است. هم‌چنین در بخش پیامدها می‌توان به حس ارزشمندی و شکرگزاری (غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو) و حس خوب بودن از نظر اخلاقی (کلوچه‌های خدا) اشاره کرد که مخاطب را نیز در پایان داستان با خود همراه می‌کنند.

یادداشت‌ها

- (۱). ن ک: (Nye, 1998: 247-275) و (Hay & Nye, 2006: 114-128)
- (۲). قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: التَّوَدُّدُ نِصْفُ الدِّينِ. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۲، ح ۱۱)
- (۳). قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ. (نهج‌الفصاحه، ص ۷۴، ح ۳۸۷)
- (۴). ما شبهت خروج المؤمن من الدنيا إلا مثل خروج الصبي من بطن أمه من ذلك الغم والظلمه إلى روح الدنيا. (الجامع الصغير، ج ۲، ص ۳۹۷)
- (۵). أَلَذُّكَرُ يُونُسَ اللَّبِّ وَيُنِيرُ الْقَلْبَ وَيَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ (غررالحكم، ح ۱۸۵۸)
- (۶). «وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا»: و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. (طلاق/۱۲) و یا «فَلَمَّا رَأَيْنَا أَهْلَ الْخَلْقِ مُنْتَظِمًا، وَالْفَلَكَ جَارِيًا، وَأَخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، دَلَّ صِحَّةَ الْأَمْرِ وَالتَّدْبِيرِ وَأَنْتِلَافَ الْأَمْرِ عَلَى أَنْ الْمُدَبِّرَ وَاحِدًا»: هنگامی که آفرینش را منظم مشاهده می‌کنیم؛ و افلاک را در جریان، و آمد و شد شب و روز و خورشید و ماه را طبق برنامه منظم می‌بینیم، این درستی فرمان، و تدبیر، و انسجام امور، دلیل بر این است که مدبر و پروردگار فقط یکی است. (توحید صدوق، ص ۲۴۴، باب ۳۶)

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۵). ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، قم: مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.
- ابن ابی‌الحدید. (۱۳۹۴). نهج‌البلاغه. ترجمه‌ی سیدعلی موسوی گرمارودی، قم: کتابخانه

عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۹) *التوحید*. ترجمه‌ی یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.
 باغگلی، حسین. (۱۳۹۲). *مطالعه‌ی انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر: مقایسه‌ی معنویت‌های دینی و نوپدید در عرصه‌ی تربیت*. پایان‌نامه‌ی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد.
 باهنر، ناصر. (۱۳۸۷). *آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج‌الفصاحه؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)*. تهران: دنیای دانش.

حمیلی، پروین. (۱۳۹۳). *بررسی درون‌مایه‌های دینی در ادبیات کودک انتشارات دهه‌ی هشتاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

ذوالفقاری، اعظم؛ فروزانفر، فرانک. (۱۳۹۳). «آیه‌های کودکان؛ بررسی آموزش مفاهیم خداشناسی به کودکان در آثار کلر ژوبرت با تأکید بر چهار داستان خاص». *نقد کتاب کودک و نوجوان*، شماره‌ی ۳، صص ۲۶۵-۲۷۸.

زارع، فاطمه. (۱۳۹۴). *بررسی آسیب‌شناسانه‌ی شگردهای خداشناسی در ادبیات کودک دهه‌ی هشتاد*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
 ژوبرت، کلر. (۱۳۸۴). *در جست‌وجوی خدا*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۵). *غصه‌ی مارمولک سبز کوچولو*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۷). *کلوچه‌های خدا*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

_____ (۱۳۸۸). *خدا حافظ را کون پیر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر. (۱۴۲۹ق). *الجامع الصغیر*. ج ۲، بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.

صالحی فر، نسیم. (۱۳۹۰). تحلیل اندیشه‌های اسلامی در ادبیات داستانی کودک و نوجوان ۱۳۰۰-۱۳۵۷. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا.

قیومی، سمیرا؛ جلایی فر، زهرا. (۱۳۹۶). «ظرفیت بازنویسی متون عرفانی به منظور رشد معنوی کودکان با توجه به نظریه‌ی آگاهی ارتباطی». *نهمین همایش ملی پژوهش‌های*

زبان و ادبیات فارسی، بیرجند، <https://civilica.com/doc/829392>

_____ (۱۳۹۶). «معنویت در شعر کودک بر اساس نظریه‌ی آگاهی ارتباطی». *زلال معنویت: چکیده مقالات همایش ملی ادبیات کودک و نوجوان و معنویت*، مشهد.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹) *الکافی*. ترجمه‌ی سیدجواد مصطفوی، ج ۶، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *بحارالانوار*. ج ۷۴، بیروت: دارالفکر.

محمدی، محمدهادی. (۱۳۷۸). *روش‌شناسی نقد ادبیات کودک*. تهران: مؤلف.

مغنیه، محمدجواد. (۱۳۸۲). *رویکردی دوباره به اسلام*. ترجمه‌ی علیرضا اسماعیل آبادی، مشهد: بهنشر.

Bigger, S. (2008). "Secular spiritual education?". *e-journal of the British Education Studies Association*, 1(1), 60-70.

Bosacki, S. . (2002). "Spirituality and self in preadolescents: Implications for a connected curriculum". *Journal of Beliefs and Values*, 23 (1), 55 - 67.

Engel, G.L. (1977). "The need for a new medical model: A challenge for biomedicine". *Science*, 196, 129-136.

_____ (1978). "The biopsychosocial model and the education of health professionals". *Ann. N. Y. Acad. Sci.* 1978, 310, 169-187.

Halstead, J. M. & Waite, S. (2001). "Nurturing the spiritual in children's sexual Development". *International Journal of lil dren 'p ppirippa*, 6 (2), 185 - 206.

- Hay, David & Nye, Rebecca (1996) "Identifying Children's Spirituality: How Do You Start Without a Starting Point?", *British Journal of Religious Education*, 18:3, 144-154
- _____. (2006). *The Spirit of the Child*. London and Philadelphia: Jessica Kingsley Publishers
- Hunt, Peter. (2009). "Children's literature and childhood", in *An introduction to childhood studies*. P50-69. Edited by Mary Jane Kehily. New York: Open University Press
- Koenig, H. G. (2011). *Spirituality & health research: Methods, measurement, statistics & resources*. West Conshohocken, PA, USA: Templeton Press.
- Nye, Rebecca. (1998). *Psychological perspectives on children's spirituality*. PhD thesis, University of Nottingham.
- Schweitzer, Friedrich. (2006). "Differences Between Religion and Spirituality in Children and Adolescents" in *Encyclopedia of Religious and Spiritual Development*. P119-122. edited by Elizabeth M. Dowling, W. George Scarlett. London and New York: Sage Publication.
- Sulmasy, D.P. A Biopsychosocial-Spiritual Model for the Care of Patients at the End of Life. *Gerontologist*, 2002, 42, 24-33.
- Thomas, Trudelle. (2006). "Literature, Children's" in *Encyclopedia of Religious and Spiritual Development*. P262-265. Edited by Elizabeth M. Dowling, W. George Scarlett. London and New York: Sage Publication.
- Trousdale, Ann M. (2004). "Black and white fire: the interplay of stories, imagination and children's spirituality", *International Journal of Children's Spirituality*, 9:2, 177-188
- _____. (2005). "Intersections of spirituality, religion and gender", in *Children's literature, international Journal of Children's Spirituality*, 10:1, 61-79
- Wenman, T. (2001). "Reporting the spiritual in primary schools". *International Journal of Children's Spirituality*, 6 (3), 311 - 324.